

دشواری‌های برگردان قرآن و لغزش‌های برخی مترجمان (۲)

دکتر نادعلی عاشوری تلوکی

| ۵۱۳-۵۳۴ |

۵۱۳

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

چکیده: هرچند توجه به دشواریهای برگردان قرآن در همه دوره ها کم و بیش مطرح بود و مترجمان با آن بیگانه نبودند؛ ولی چون نقد ترجمه در دوره های پیشین رایج نبود، سختیهای برگردان آیات چندان محور بحث نبود و توجه زیادی به آن نمی شد. امروزه که در همه عرصه های قرآن نهضت با شکوهی پدید آمد، توجه به دشواریهای برگردان آیات هم جایگاه ویژه ای پیدا کرد و مطالب بسیاری در باره آن به نگارش درآمد. یکی از این مطالب توجه به لغزشهایی است که برای برخی مترجمان پدید آمد و بعضاً ترجمه های نادرستی عرضه کردند. در مقاله حاضر که همانند مقاله قبل به روش تحلیلی-انتقادی تدوین شد نمونه های دیگری مورد بررسی قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، برگردان قرآن، دشواریهای ترجمه، لغزشهای مترجمان.

The Challenges of Translating the Quran and the Errors of Some Translators (Part 2)

Dr. Nadali Ashoori

Abstract: Although the challenges of translating the Quran have been acknowledged to some extent throughout history, and translators have not been entirely unfamiliar with them, the difficulties of rendering Quranic verses into other languages were not a major focus in earlier periods due to the lack of a tradition of translation critique. However, in recent times, a grand movement in all fields of Quranic studies has emerged, bringing special attention to the challenges of translating Quranic verses, and a significant amount of work has been written on this subject. Among these writings is the focus on the errors made by some translators, which have sometimes resulted in incorrect translations. The present article, like the previous one, has been compiled using an analytical-critical approach and examines additional examples.

Keywords: Holy Quran, Quran Translation, Translation Challenges, Translator Errors.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

یکی از موضوعات مورد توجه قرآن، مسئله «زوجیت در جهان آفرینش» است که در آیات متعددی بدان اشاره شده است. افزون بر مطالب متنوع بسیاری که در این باره در برخی تفاسیر آمده است، مقاله های مستقلی هم نگاشته شده است و نویسندگان در بسیاری از آنها کوشیده اند آیات قرآن را با یافته های علوم تطبیق دهند؛ به همین دلیل در موارد متعددی با موفقیت همراه نشده است. اگر از نادرستی برخی مطالبی که در این آثار آمده است، چشم پوشی شود، اصل بحث مورد اتفاق است و شواهد علمی هم بر آن گواهی می دهد. در مجال کنونی جنبه های تفسیری موضوع مورد بحث نیست و واژه (زوجین) تنها از زاویه فن ترجمه بررسی می شود که به نظر می رسد در بسیاری از ترجمه ها برگردان درستی پیدا نکرده است. در ادامه بررسی لغزش های پاره ای مترجمان در برگردان برخی آیات - که نمونه هایی از آن در مقاله پیشین آمد - به نمونه های دیگری از جمله آیات مربوط به زوجیت اشاره می شود.

۵۱۵

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

۶. «وَأَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى» (نجم: ۴۵) این گونه در ترجمه انصاری آمده است: «و آنکه او دو نوع نر و ماده را آفرید»؛ همچنین «فَجَعَلَ مِنْهُ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى» (قیامت: ۳۹) بدین ترتیب برگردان شده است: «آنگاه از آن دو زوج مرد و زن پدید آورد». این ترجمه با اندکی اختلاف به ویژه در برگردان «الزوجین» در بسیاری از ترجمه های دیگر هم آمده است که همه آنها را می توان ذیل دو دسته بررسی کرد:

دسته اول که بیشتر مترجمان را در بر می گیرد، آیه ۴۵ سوره «نجم» را این گونه ترجمه کرده اند:

«و اوست که دو زوج نر و ماده آفرید»؛ «و اوست که دو گونه: نر و ماده بیافرید»؛ «و اینکه او دو نوع نر و ماده را خلق می کند»؛ «و اینکه او دو جفت نر و ماده آفرید»؛ «و اوست که دو جفت (دو صنف) نر و ماده را بیافرید»؛ «و اوست که دو صنف نر و ماده را آفریده است»؛ «و آنکه او آفرید دو صنف مذکر و مؤنث را»؛ «و به راستی اوست که دو زوج نر و ماده آفریده است»؛ «و البته، پروردگارت دو صنف نر و ماده را آفریده است»؛ «و خداوند متعال است که دو زوج مذکر و مؤنث را می آفریند»؛ «و اوست آنک بیافریند دو جفت نرینه و مادینه»؛ «و اوست که دو زوج نر و ماده را آفریده است»؛ «و اوست که دو صنف از

نرینه و مادینه هر جاننداری را بیافرید؛ «و اوست که جفت های نر و ماده را آفریده است»؛ «و اوست که دو زوج مذکر و مؤنث را می آفریند».

بسیاری از مترجمان این گروه در ترجمه آیه ۳۹ «قیامت» نیز چنین آورده اند: «و از او دو زوج به وجود آورد یکی نر و دیگر ماده»؛ «و از او دو جفت مرد و زن قرار داد»؛ «پس گردانید از او دو جفت را نر و ماده»؛ «آن گاه از آن، دو زوج نر و ماده قرار داد»؛ «و از او دو زوج مرد و زن آفرید!»؛ «و از آن، دو گونه نر و ماده را پدید آورد»؛ «و آنها را دو صنف کرد: نر و ماده»؛ «پس آن گاه از او دو صنف نر و ماده پدید آورد»؛ «و از آن دو زوج مذکر و مؤنث پدید آورد»؛ «پس آن گاه از او دو صنف نر و ماده پدید آورد»؛ «و از او دو جفت مذکر و مؤنث قرار داد»؛ «آن گاه دو جنس زن و مرد از آن پدید آورد».

اشکال عمده این ترجمه ها، بی توجهی آشکار به تفاوت معنایی «زوجین» در زبان عربی و فارسی است که موجب عرضه برگردانی تحت اللفظی و نادرست شده است. واژه «زوجین» گرچه از نظر دستوری مثناست و بر دو چیز دلالت می کند و به همین دلیل در ادامه آیه، دو اسم «الذكر» و «الانثی» بدل آن آمده است، برگردان آن به گونه «دو زوج»، «دو جفت»، «دو صنف» و مانند آن معادل دقیق و درستی نیست؛ زیرا «دو زوج» و «دو جفت» در فارسی بر چهار چیز دلالت می کند، نه دو چیز که مورد نظر آیه است. وقتی گفته می شود «امروز مهمان یک زوج خوشبخت بودم» یا «دیروز یک جفت کفش خریدم»، آن «یک زوج» و این «یک جفت» دقیقاً معادل «زوجین» است؛ به همین علت وقتی در ترجمه کلمه «دو» به کار برده می شود، مفهوم آن را با ابهام مواجه می کند. وقتی خواننده فارسی زبان با این ترجمه ها مواجه می شود: «اوست که دو زوج نر و ماده آفرید»، «او دو نوع نر و ماده را خلق می کند»، «اوست که دو جفت (دو صنف) نر و ماده را بیافرید»، این پرسش برایش مطرح می شود که خداوند از کاربرد «الزوجین»، یک نر و یک ماده، یعنی دو چیز را اراده کرد یا دو جفت نر و ماده را در نظر داشت که در این صورت چهار چیز می شود؟ این دقت معنایی سبب شد مترجمان دسته دوم تلاش کنند آیات پیش گفته را به گونه ای برگردان کنند که این ابهام برطرف شود. چنانچه در ترجمه برگرفته از تفسیر بیان السعاده در برگردان آیه نخست، «اوست که زوج نرینه و مادینه را آفرید» آمده است؛ همچنین آیه دوم «از آن جفتی نرینه و مادینه پدید آورد»، ترجمه شده است. حتی اگر بپذیریم کلمه «زوج» در زبان عربی بر مفرد و مثنی دلالت می کند، آن گونه که در

برخی تفاسیر بیان شده است (تبیان، ج ۶، ص ۲۱۵؛ المیزان، ج ۱۱، ص ۲۹۰) هم بعید است مجاز باشیم در ترجمه قرآن از آن استفاده کنیم؛ زیرا مخاطب امروزی از این واژه آن چیزی را نمی فهمد که در زبان عربی به کار می رود و دقیقاً به همین اعتبار محققان معتقدند مترجم حرفه ای باید به فهم مخاطب و زبان ترجمه توجه داشته باشد و پیچیده و مغلق ترجمه نکند تا خواننده دچار ابهام و سردرگمی نشود.

دسته دوم که جمع محدودی از مترجمان را دربر می گیرد، چنین برگردان کرده اند: «و از آن جفتی نرینه و مادینه پدید آورد»؛ ترجمه ای که خرمشاهی، صلواتی و بیان السعاده آورده اند. پاینده و کوشا هم «و از او جفتی نر و ماده پدید کرد» ترجمه کرده اند. امینیان در ترجمه منظوم خود «یک جفت از آن پدید آورد/ یک ماده پدید کرد و یک نر» برگردان می کند و به صراحت عبارت «یک جفت» را آورده است که برداشتی کاملاً درست از زبان فارسی است. دکتر امامی «و از او دو گونه نهاد: نر را و ماده را» ترجمه کرده است و میبیدی «از آن دو همتا آفرید: نر و ماده» آورده است؛ اما کاویانپور «و از وی زوج نر و ماده به وجود می آید» ترجمه کرده است که هرچند در بخش نخست درست برگردان شده است، در ادامه دچار اشتباهی شد که در ترجمه های دیگر مشاهده نمی شود. ایشان «جَعَلَ» را که ماضی و متعدی است، مضارع و لازم برگردان کرده است؛ درحالی که حتی اگر مضارع آوردن را قابل توجیه بدانیم، لازم آوردن فعل متعدی به یقین نادرست است. افزون بر این ایراد، اشکال دیگری در برخی ترجمه های دسته دوم پدید می آید که به معادل های «الزوجین» برمی گردد و گروهی از مترجمان این دسته برای رهایی از این مشکل، از معادل هایی نظیر «دو صنف»، «دو نوع»، «دو گونه»، «دو جنس» و مانند آن بهره برده اند که چندان دقیق و رسا نیست.

نمونه دیگر بحث مذکور که شباهت زیادی به آیات فوق دارد و تنها سه بار در قرآن به کار رفته است، ترکیب «زوجین اثنین» است که به دو مورد آن در داستان نوح به گونه «اِحْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ» اشاره شده است. استاد انصاری در ترجمه آیه ۴۰ «هود» این گونه آورده است: «در آن [کشتی] از هر جنسی دو تن [نر و ماده] را بگیر» و آیه ۲۷ «مؤمنون» را به این ترتیب برگردان کرده است: «در آن [کشتی] از هر جنسی دو عدد [نر و ماده] درآور». مورد سوم «وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ» (رعد: ۳) است که ایشان «در آن از هر نوع میوه زوجی دوگانه آفرید» ترجمه کرده است. برگردان این آیه از

جمله لغزش های بسیاری از مترجمان است که معادل هایی نظیر «دو جفت»، «جفت جفت»، «جفت دوتایی»، «یک جفت دوتایی»، «جفتی دوگانه»، «زوجی دوگانه»، «جفت های دوگانه»، «دو زوج»، «دو صنف و دوتا»، «دو جفت دو» و «دو گونه دو» آورده اند. این نوع برگردان ها که متأسفانه بیش از نود درصد ترجمه ها را دربر می گیرد، هرگز مفهوم واقعی آیه را برای مخاطب فارسی زبان روشن نمی کند؛ برای مثال در ترجمه برگرفته از تفسیر صفی علی شاه و تفسیر کاشف و نیز ترجمه یاسری «از هر نر و ماده دوتا» آمده که گرچه در بخش اول درست ترجمه شده است، در ادامه ترجمه با آمدن «دوتا» که معادل «اثنین» است، ترجمه ای نادرست ارائه شده است؛ زیرا فارسی زبانان از این برگردان عدد چهار می فهمند نه دوتا. همچنین در ترجمه برگرفته از تفسیر روان جاوید «از هر حیوانی نر و ماده دو فرد» آمده است؛ ترجمه ای که پورجوادی، سراج و نوبری هم آورده اند. در ترجمه خواجوی «از هر جفتی دوتا» آمده است، در حالی که اگر قرار است این گونه ترجمه شود، باید همانند صفارزاده «از هر نوع از حیوانات نر و ماده یک جفت» بیاید یا باید مانند کرمی و صلواتی «از هر حیوانی یک جفت» بیان شود که در برخی تفاسیر هم آمده است. تنها انگشت شماری از مترجمان درست برگردان کرده اند و «جفت»، «جفتی» و «یک جفت» آورده اند؛ از جمله میبدی «از هر چیز که وی را جفت بود نرینه ای و مادینه ای» برگردان کرده است که همان «جفتی» و «یک جفت» است که دیگران هم آورده اند. با دقت در ترجمه هایی که بیان شد، مشخص می شود ایراد اصلی بسیاری از مترجمان به ترجمه «اثنین» برمی گردد که بی توجه به نقش دستوری آن، فقط برگردان تحت اللفظی را مدنظر قرار داده اند و ترجمه های نادرستی عرضه کرده اند. کلمه «اثنین» به این دلیل که از جنس خود مفرد ندارد، در زمره اسم های ملحق به مثنی قرار دارد و افزون بر اینکه همانند اسم های دیگر می تواند نقش های مختلفی بپذیرد - چنان که در آیات ۱۴۳ و ۱۴۴ سوره «انعام» معطوف به مفعول و منصوب شده است و در «إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا» (یس: ۱۴) مفعول و منصوب واقع شده است - می تواند صفت اسم های پیش از خود قرار گیرد؛ نقشی که به اجماع مفسران در «زوجین اثنین» و «الیهین اثنین» پیدا کرده است. بر همین اساس برخی مترجمان «زوجین اثنین» در آیات ۴۰/هود، ۳/رعد و ۲۷/مؤمنون را «جفتی نر و ماده»، «یک جفت نر و ماده» و مانند آن آورده اند؛ همان طور که «لَا تَتَّخِذُوا إِلَهِينَ اثْنَيْنِ» (نحل: ۵۱) را «دو معبود برمگیرید» و مشابه آن برگردان کرده اند. علامه طباطبایی درباره این واژه می نویسد: «در بسیاری از موارد کلمه "زوجین" با کلمه "اثنین"

تأکید می شود تا دلالت کند بر اینکه مقصود از آن، دو عدد است نه چهار عدد، (چون به يك حساب، دو زوج، چهارتا می شود)، هم چنان که در آیه مورد بحث، این تأکید آمده است» (ترجمه المیزان، ج ۱۱، ص ۳۹۶).

اگر «اثنین» به عنوان یک اسم، نقش مستقلی بپذیرد، حذف شدنی نیست و حتماً باید در ترجمه ظاهر شود؛ همان گونه که در برگردان آیات ۱۴۳ و ۱۴۴ سوره «انعام» چنین شد؛ اما اگر نقش مستقل نداشت و در زمره توابع قرار گرفت و مانند آیات ۴۰/هود، ۳/رعد و ۲۷/مؤمنون صفت تأکیدی اسم پیش از خود شد، چنین ضرورتی در میان نیست و می تواند در ترجمه ظاهر نشود؛ چنان که «الیهین اثنین» را بیشتر مترجمان به گونه ای ترجمه کرده اند که گویا واژه «اثنین» اصلاً وجود خارجی ندارد. بر این اساس باید از آنان که بی توجه به اقتضائات زبان فارسی، رسالت خود را مراعات جانب احتیاط و امانت می دانند و می کوشند تک تک واژه های قرآن را در ترجمه ظاهر سازند، پرسید چرا در برگردان «الیهین اثنین» چنین نکردند و «اثنین» را در ترجمه ظاهر نکردند؟ البته در این باره هم متأسفانه برخی مترجمان نادرست ترجمه کرده اند؛ از جمله معزی که «گفت خدا نگیرید خدایانی دوگانه» ترجمه کرده است، خرمدل که «خدا گفته است که دو معبود دوگانه برای خود برگزینید» برگردان کرده است و مصباح زاده و اشرفی که «گفت خدا که نگیرید دو اله را که دوتا است» آورده اند؛ در حالی که ساده ترین پرسش این است که مگر «خدایان یگانه» هم داریم که از «خدایان دوگانه» نهی شده باشد؟! یا مگر «دو معبود یگانه» و «دو اله که یکی باشد» هم داریم که خداوند از پرستش «دو معبود دوگانه» و «دو اله که دوتا هست» نهی کرده باشد؟ حتی نمی توان برگردان اسفرائینی، صفی علی شاه، بلاغی و ثقفی را هم دقیق و درست دانست که به ترتیب این گونه ترجمه کرده اند: «گفت خدای تعالی: مگیرید دون خدای دو خدای»، «گفت خدا که نگیرید دو خدا را که دوتا است»، «خدا فرمود: دو معبود، دو معبودی که هیچ تناسب ندارند؛ نگیرید» و «گفت خدا نگیرید دوتا را دو خدا».

در ترجمه قرآن قرن دهم و ترجمه قرآن قدس به تصحیح دکتر روافی هم این گونه آمده است: «گفت خدای: فرامگیرید دو خدای دو!» و «گفت خدای: مگیرید دو خدای دو!» و ترجمه قرآن ماهان به تصحیح مدبری این گونه برگردان کرده است: «گفت خدای مگیرید دو خدای دو» که افزون بر شباهت های بسیار زیاد این سه ترجمه که می تواند پرسش برانگیز باشد، همان ایرادهای پیشین نیز مشاهده می شود. در حالی که افزون بر

پاره ای ترجمه ها، در بسیاری از تفسیرها هم تعبیری نظیر یک جفت آمده است که نشان می دهد ترجمه های مذکور نادرستند؛ چنانچه در المیزان: «ما به نوح دستور دادیم که از هر جنسی از اجناس، حیوانات، یک جفت یعنی یک نر و یک ماده سوار بر کشتی کن» آمده است (ترجمه المیزان، ج ۱۰، ص ۳۴۰؛ ج ۹، ص ۹۷) و شیخ طوسی هم «فیکون انتصاب اثنین علی انه صفة لزوجین، و ذکر تأکیداً كما قال "إِلَهِينِ اثْنَيْنِ"» آورده است (تبیان، ج ۵، ص ۴۸۵؛ نیز بنگرید: صافی، ج ۲، ص ۴۴۳؛ ثعلبی، ج ۵، ص ۱۶۸؛ بیضاوی، ج ۳، ص ۱۳۴؛ میبیدی، ج ۴، ص ۳۸۶؛ التفسیر القرآنی للقرآن، ج ۶، ص ۱۱۴). محیی الدین درویش نیز چنین نظری دارد (اعراب القرآن، ج ۴، ص ۳۵۵).

دلیل دیگری که بر نادرستی برگردان «اثنین» در ترجمه های مذکور می توان ارائه کرد، بیان برخی تأکیدهای معنوی دیگر قرآن همچون «کُلُّهُمْ» و «اجمعون» است که در پاره ای آیات نظیر «فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ» (حجر: ۳۰؛ ص: ۷۳) آمده است و بسیاری از مترجمان «همه فرشتگان سجده کردند» یا «فرشتگان همگی سجده نمودند» و مشابه آن ترجمه کرده اند؛ درحالی که اگر چنین واژه هایی در آیه نباشد هم برگردانی غیر از آنچه ذکر شد، ارائه شدنی نیست به ویژه که واژه «الملائكة» جمع محلی به الف و لام است و عمومیت را می رساند و نیازی به دو کلمه بعدی نیست یا دست کم مترجم باید یکی از دو تأکید مذکور را در ترجمه ظاهر کند، درحالی که بیشتر مترجمان چنین نکرده اند. این نکته در برگردان اسم های مثنای مذکور هم صادق است و نباید ترجمه را تا بدین پایه تحت اللفظی عرضه کرد. البته گرایش به ترجمه تحت اللفظی در برگردان «فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ» هم در میان برخی مترجمان مشاهده می شود و گروهی برای مراعات امانت این گونه برگردان کرده اند: «پس همه فرشتگان یکسره سجده کردند»، «پس فرشتگان همگیشان یکسره [برای او] سجده کردند»، «پس فرشتگان همگی شان با همدیگر به سجده در افتادند»، «پس همه فرشتگان بدون استثناء سجده کردند»، «پس فرشتگان همگی با هم و یکسره سجده کردند»، «پس فرشتگان همگی به هیئت دسته جمعی سجده کردند»، «فرشتگان همه آنها، دسته جمعی سجده کردند»، «پس سجده کردند فرشتگان همه آنان جملگی»؛ ولی آوردن معادل هایی نظیر «همه یکجا»، «با همدیگر»، «دسته جمعی»، «به هیئت دسته جمعی»، «با هم و یکسره»، «بدون استثناء» و مانند آن افزوده هایی تفسیری هستند که از برداشت شخصی مترجمان حکایت دارد، نه اینکه معادل های دقیق تأکیدهای معنوی مذکور باشند.

۵۲۰

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

نکته پایانی در ترجمه آیات فوق این است که برخی مترجمان نه تنها در برگردان این آیات یکنواخت عمل نکرده اند، بلکه در موارد دیگری که ترکیب فوق به کار نرفته و تنها واژه «اثنین» آمده است نیز دچار تشتت آرا شده اند که هرچند در مقایسه با اختلافی که در ترجمه این ترکیب پدید آمد، کمتر است؛ به هر حال وجود دارد و گاهی هم نادرست ترجمه شده است؛ مانند برگردان «مِنَ الضَّأْنِ اَثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعَزِ اَثْنَيْنِ» (انعام: ۱۴۳) که با وجود روشنی زیادی که دارد و کمتر مترجم قرآنی را می توان یافت که معنا و مفهوم آیه را درنیابد و چیزی غیر از این بفهمد که «از گوسفندان دوتا و از بزها دوتا» یا «از گوسفند یک نر و یک ماده، و از بز هم یک نر و یک ماده»؛ اما به دلایل مختلفی همچون بی دقتی و کم توجهی در برگردان قرآن، ساده انگاشتن ترجمه آیات، وابستگی های شدید لفظی و آگاهی نداشتن از ظرفیت های زبان فارسی، ترجمه هایی ارائه نموده اند که بسیار دور از انتظار است؛ از جمله کاویانپور و مکارم «از میش دو جفت و از بز دو جفت» ترجمه کرده اند، در حالی که خواننده فارسی زبان از «دو جفت»، چهارتا را می فهمد، نه دوتا که شامل یک نر و یک ماده می شود. البته چنین برگردانی مخصوص دو ترجمه مذکور نیست و برخی دیگر هم این گونه برگردان کردند؛ چنانچه خرمشاهی آیه ۲۳/ مؤمنون را «جفتی دوگانه»، ۳/ رعد را «زوجی دوگانه» و ۴۰/ هود را «دوتا» آورده است. همین اختلاف در برگردان «ثَمَانِيَةَ اَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اَثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعَزِ اَثْنَيْنِ قُلْ اَلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ اُمُّ الْاُنْثَيْنِ اَمَّا اَسْتَمَلْتُ عَلَيْهِ اَرْحَامُ الْاُنْثَيْنِ نَبَوْنِي يَعْلَمُ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ وَمِنَ الْاِلْبِلِ اَثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اَثْنَيْنِ» (انعام: ۱۴۳-۱۴۴) هم پدید آمده است. در آیه ۱۴۴/ انعام عبارت «مِنَ الْاِلْبِلِ اَثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اَثْنَيْنِ» بیان شده است که همان طور که برخی از مترجمان برگردان کرده اند - چیزی غیر از این مدنظر نیست که «خداوند از شتر و گاو (و سایر حیوانات) یک نر و یک ماده آفرید» یا «از شتر یک نر و یک ماده و از گاو هم یک نر و یک ماده آفرید». یا آن گونه که معزی و برخی دیگر آورده اند «از شتر دوتا و از گاو دوتا»؛ اما در اینجا هم حتی بین مترجمانی که آیه ۱۴۳/ انعام را درست برگردان کرده اند، با ترجمه هایی متفاوت و گاهی نادرست مواجه می شویم که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود:

- مجتبوی و ارفع: «از شتر دو نر و ماده و از گاو دو نر و ماده قرار دادیم». این ترجمه می تواند درست باشد، در صورتی که افزوده تفسیری «نر و ماده» همانند ترجمه ابراهیمی و یزدی درون پرانتز قرار گیرد «و از شتر دوتا (نر و ماده) و از گاو [نیز] دوتا (نر و ماده) پدید آورد» برگردان شود.

- مشکینی: «از شتر دو فرد یا دو جفت و از گاو دو فرد یا دو جفت». کاویانپور: «از شتر دو زوج و از گاو دو زوج». نادرستی این ترجمه ها در این است که خواننده فارسی زبان از «دو فرد»، «دو جفت» و «دو زوج»، عدد چهار را می فهمد، در حالی که تنها یک نر و یک ماده مراد است. ضمن اینکه روشن نیست آوردن «دو فرد» یا «دو جفت» برای چیست؟ تردید یا تخییر در آفرینش «دو فرد» یا «دو جفت» که مترجم در برگردان خود ذکر کرده است، چه معنایی می تواند داشته باشد؟ ترجمه در حد امکان باید بدون پیچیدگی و ابهام باشد تا خواننده در فهم آن دچار مشکل نشود؛ در حالی که برگردان های فوق از چنین ویژگی برخوردار نیستند.

- قرائتی: «از شتر دو زوج (نر و ماده) و از گاو دو زوج (نر و ماده) را برای شما حلال کرده است»؛ این ترجمه هر چند با توضیح داخل پرانتز گویاست، ترکیب «دو زوج» هرگز مفهوم مورد نظر مترجم را نمی رساند؛ حتی اگر بپذیریم واژه زوج در زبان عربی، بر مفرد و مثنا دلالت می کند هم خواننده فارسی زبان از آن چیزی جز عدد چهار را استنباط نمی کند و باید «یک جفت» و «یک زوج» بیاید؛ چنانچه پورجوادی «از شتر یک زوج و از گاو یک زوج» ترجمه کرده است. مشابه ترجمه قرائتی، برگردان حجتی و آدینه وند است که این گونه ترجمه کرده اند: «از شتر دو زوج و از گاو هم دو زوج [برای شما آفرید]». فیض الاسلام نیز آورده است: «از شتر دو جفت (یکی نر و یکی ماده که هر یک زوج و جفت دیگری است) و از گاو دو جفت» و در ترجمه برگرفته از تفسیر عاملی «و از شتر دو جفت است [نر و ماده] و گاو هم دو جفت [نر و ماده] است» برگردان شده است که دقیق و درست نیستند.

- نویری در ترجمه تفسیرگونه خود «از شتر هم دو جفت یکی نر و دیگر ماده خداوند تعالی برای شما خلق نموده است و گاو هم دو جفت نر و ماده خلق شده» آورده است که هم در مسئله «دو جفت» دچار لغزش است و هم فعل جمله را مجهول و «خلق شده» آورده که ارتباطی با ظاهر آیه ندارد. همچنین به نظر نمی رسد معادل هایی نظیر «رقم»، «صنف»، «قسم» و مانند آن برای «اثنین» و برگردان آیه به صورت «از شتر دو رقم و از گاو دو رقم»، «از شتر دو صنف و از گاو دو صنف»، «از شتر دو قسم و از گاو دو قسم» که در ترجمه استادولی، دهلوی، پورجوادی و انصاری آمده است هم مشکل را برطرف کرده باشد. در زبان فارسی از «رأس» برای شمارش گاو و گوسفند و «نفر» برای شتر به کار

می رود و آوردن واحدهای شمارش دیگری مانند «رقم» و «صنف» دقیق نیست. ممکن است گفته شود در این آیه آفرینش نوع حیوانات مذکور مدنظر است و نه شمارش تا لازم باشد از واژه های «رأس» و «نفر» استفاده شود. در پاسخ باید گفت در این صورت بهتر است همانند دیگران، «جفت» به کار رود که درست تر و دقیق تر است. به نظر می رسد ترجمه درست «از شتر يك جفت و از گاو يك جفت» باشد که مکارم آورده است و در ترجمه برگرفته از تفسیر آسان و اسفراینی هم «از شتر جفتی نر و ماده، و از گاو جفتی نر و ماده» آمده است. فولادوند، رضایی و ترجمه مرکز فرهنگ و معارف قرآن «از شتر دو و از گاو دو» آورده اند که می تواند درست و بی اشکال باشد.

۷. «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ» (بقره: ۲۱۰) را انصاری این گونه ترجمه کرده است: «آیا جز در این انتظارند که خدا در سایبان هایی از ابر [های سپید] به سوی آنان بیاید و [نیز] فرشتگان [چنین کنند] و کار یکسر شود؟». برخی مترجمان دیگر هم به همین صورت یا مشابه آن آورده اند که به نظر نمی رسد چندان مفهوم و روشن باشد.

۵۲۳

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

«آیا جز در این انتظارند که خدا در سایبان هایی از ابر [های سپید] به سوی آنان بیاید و [نیز] فرشتگان» چه معنایی دارد؟ آیا بدین معناست که خدا و فرشتگان در سایبان هایی از ابرهای سپید می آیند؛ ولی آنها نباید انتظاری غیر از این داشته باشند؟ آیا آمدن خدا و فرشتگان در سایبان هایی از ابرهای سپید - حتی برای عذاب آنها که در برخی تفاسیر آمده - با عقل و نقل جور در می آید؟ آنچه موجب اشتباه شده است، توجه به ظاهر «هَلْ» در آغاز آیه است که بسیاری از مترجمان همانند همیشه «آیا» ترجمه کرده اند؛ در حالی که حرف پرسش در این آیه در معنای غیر حقیقی خود، یعنی انکار و توییح به کار رفته است و ادات حصر پس از آن هم نشان می دهد که باید معادل حرف نفی «ما» در نظر گرفته شود و مانند آیاتی نظیر «مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً» (یس: ۴۹) به شمار آید و «جز این نیست...» و مانند آن برگردان شود. این نکته ای است که افزون بر پاره ای ترجمه ها،^۱ در

۱. چنانچه استاد انصاری در آیات دیگری که مشابه این آیه بود، منفی ترجمه کرده است و مثلاً «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرٌ رَبِّكَ» (نحل: ۳۳) را این گونه ترجمه کرده است: «جز آنکه فرشتگان [برای ستاندن روحشان] به سوی آنان آیند یا فرمان پروردگارت فرا رسد، [چیزی دیگر را] انتظار نمی کشند»؛ همچنین آیه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ» (انعام: ۱۵۸) را «انتظاری ندارند جز آنکه

برخی کتاب های اعراب القرآن نیز ذکر شده است (درویش، ج ۱، ص ۳۰۸) و در بعضی تفاسیر هم آمده است؛ چنانچه عبدالکریم خطیب در التفسیر القرآنی للقرآن می نویسد: «الاستفهام هنا إنکاری، یجری مجری النفی، أى ما یظنون إلا أن یروا بأعینهم الیوم الموعود، أى یوم القیامه» (خطیب، ج ۱، ص ۲۳۱). در ارشاد الاذهان هم چنین آمده است: «هَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ یَأْتِیَهُمُ اللَّهُ» الاستفهام معناه النفی بمقتضى الاستثناء، أى لا ینتظر التارکون للدخول فی الإسلام إِلَّا أَنْ ینزل علیهم عذاب الله فی ظُلُلٍ مِنَ الْعَمَامِ وهی السحاب الأبیض المتراکم کالمظله، والغیوم التی یظنون بها الرحمه وَالْمَلَائِکَهِ» (سبزواری، ص ۳۷؛ نیز بنگرید: کنز الدقائق، ج ۲، ص ۳۱۲؛ قرطبی، ج ۳، ص ۲۵؛ بیضاوی، ج ۱، ص ۱۳۴؛ روح المعانی، ج ۱، ص ۴۹۳؛ التفسیر المنیر، ج ۲، ص ۲۳۶؛ روح البیان، ج ۱، ص ۳۲۵؛ الفواتح الالهیه، ج ۱، ص ۷۲). در مجموع شاید ترجمه های عرضه شده در ذیل این آیه را بتوان در پنج دسته زیر تقسیم بندی کرد:

الف) بسیاری از ترجمه های معاصر که به دلیل گرایش تحت اللفظی و برگردان تطبیقی مانند انصاری برگردان کرده اند:

- ابراهیمی: «آیا [منکران] جز این را انتظار می کشند که خدا و فرشتگان در میان سایبان هایی از ابر به سوی شان بیایند و کار پایان یابد؟!».

- الهی قمشه ای: «آیا کافران جز این انتظار دارند که خدا با ملائکه در پرده های ابر بر آنها در آید و حکم (قهر خدا به کیفر کافران) فرا رسد؟».

- استادولی: «آیا [کافران] جز این انتظار می برند که خدا و فرشتگان در سایه هایی از ابر بر آنان در آیند، و کار (عذاب آنان) یکسره شود؟».

فرشتگان [به سوی] آنان بیایند، یا [حکم] پروردگارت در میان آید یا برخی از نشانه های پروردگارت بیاید» برگردان کرده است. البته این حرف در «هَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ» (زخرف: ۶۶؛ محمد: ۱۸) همان حرف پرسش و «آیا جز چشم به راه قیامت هستند؟» ترجمه شده است؛ در حالی که به نظر می رسد این دو آیه هم باید همانند «مَا یَنْظُرُونَ إِلَّا صَبَاحَةً وَاحِدَةً» (یس: ۴۹) ترجمه شود که «جز چشم به راه بانگی مرگبار نیستند» برگردان شده است؛ همچنین باید مانند «هل ینظرون الا تأویله» (اعراف: ۵۳) «جز در انتظار تأویلش نیستند» ترجمه شود. استاد خرمشاهی آیه ۵۳/اعراف را «فقط منتظر سرانجام آن هستند» آورده است و آیات ۶۶/زخرف و ۱۸/محمد را «انتظار ندارند مگر قیامت را» ترجمه کرده است.

- صادقی: «آیا انتظار و نگرش اینان جز این است که خدا در (زیر) سایبان هایی از ابر سويشان بيايد، و فرشتگان (هم بيايند)؛ و کار (داوری) یکسره تمام شود؟».

- برزی: «آیا جز این انتظار دارند که خداوند و فرشتگان در سایبان هایی از ابر به سوی آنان بيايند؟! ولی کار [مشیت حق به شیوه ای دیگر] گزارده شده است».

ب) دسته دوم که تعداد کمتری را دربر می گیرد، «هل» را حرف نفی و «الا» را ادات استثنا در نظر گرفته اند:

- خواجهی: «تکذیب کنندگان [جز آنکه خداوند در سایه بان هایی از ابر با فرشتگان بيايدشان و کار تمام شود انتظاری ندارند]».

- دهلوی: «آیا انتظار نمی کنند اهل عصیان مگر آن را که بيايد به ایشان خدا، یعنی بيايد عذاب او در سایبان ها از ابر و بيايند فرشتگان».

- ترجمه برگرفته از تفسیر احسن الحدیث: «[اینان] منتظر نیستند مگر آن را که عذاب خدا و ملائکه در توده های ابر به سوی آنها بيايد و کار تمام شود».

ج) دسته سوم بدون در نظر گرفتن «الا»، برگردانی پرسشی ارائه کرده اند:

- ارفع: «آیا آنها انتظار دارند که خداوند و فرشتگان در سایه ابرها به سوی آنها بيايند و کار یکسره شود؟!».

- آیتی: «آیا اینان منتظر آن هستند که خدا با فرشتگان در زیر سایبانی از ابر نزدشان بيايد و کار یکسره شود؟».

- آیت الهی: «آیا انتظار این را دارند که خدا و ملائکه بر ابرها سوار شده نزد آنان بيايند و تکلیفشان یکسره شود؟».

د) دسته چهارم به دلیل گرایشات شدید تحت اللفظی، برگردانی نارسا و نامفهوم ارائه کرده اند:^۱

۱. نقل قول از تمام ترجمه ها دقیقاً به همان صورتی است که در «پایگاه جامع قرآن» نقل شده است و چنانچه ملاحظه می شود در هیچ یک از ترجمه های این قسمت نشان پرسش در پایان ترجمه نیامده است.

- صفی‌علیشاه: «آیا انتظار می‌برند مگر اینکه بیاید ایشان را خدا در سایبان‌ها از ابر و فرشتگان و حکم شود کار».

- اشرفی: «آیا انتظار می‌برند مگر آنکه آید ایشان را عذاب خدا در سایبان‌ها از ابر و فرشتگان و گذارده شود کار».

- مصباح‌زاده: «آیا انتظار می‌برند مگر آنکه آید ایشان را عذاب خدا در سایبان‌ها از ابر و فرشتگان و گذارده شود کار».^۱

- ریاضی: «آیا کافران با این ادله روشن ایمان نمی‌آورند و انتظار آن دارند که خدا با ملائکه در پرده‌های ابر بر آنها نازل شود».

ه) به صورت تفسیری ترجمه کرده‌اند، ولی میزان افزوده‌های تفسیری آنها متفاوت است:

- یاسری: «آیا نگرانند و منتظرند یهود که ایمان نیاوردند مگر اینکه کارهای محالی واقع شود؛ و توقع دارند که بیاید خدا نزد آنها در سایه ابرها و بیاید آنها را ملائکه».

- انصاریان: «آیا [اهل لغزش و پیروان شیطان] جز این را انتظار دارند که [عذاب] خدا و فرشتگان [مأمور عذاب] در سایبان‌هایی از ابر به سوی آنان آیند و کار نابودی آنان تمام شود؟».

- موسوی همدانی: «راستی حرف حسابی اینان چیست؛ آیا انتظار این را دارند که خدا و ملائکه بر ابرها سوار شده نزد آنان بیایند (یعنی عذاب خدا به وسیله ابرهای ویرانگر بیاید) و تکلیفشان یکسره شود؟».

- مکارم: «آیا (پیروان فرمان شیطان، پس از این همه نشانه‌ها و برنامه‌های روشن) انتظار دارند که خداوند و فرشتگان، در سایه‌هایی از ابرها به سوی آنان بیایند (و دلایل تازه‌ای در اختیارشان بگذارند؟! با اینکه چنین چیزی محال است!) و همه چیز انجام شده».

- فیض‌الاسلام: «(باز کفار و منافقین را تهدید نموده می‌فرماید:) چشم به راه نیستند مگر آنکه عذاب خدا در سایه‌های ابر سفید (که گمان رحمت و مهربانی و خیر و نیکویی در

۱. دو ترجمه اخیر دقیقاً عین هم و کاملاً یکی هستند؛ آن هم نه فقط در این آیه یا برخی آیات، بلکه در کل ترجمه و در تمامی آیات. این نکته نیازمند بحث و بررسی‌های بیشتری است که امیدوارم محققان صاحب صلاحیت بدان بپردازند.

آنها است) و فرشتگان (که واسطه در عذاب و شکنجه هستند) بر آنان بیایند (آن گاه از کفر و ناگرویدن دست بردارند) در حالی که کار انجام شده است (و آن هنگام نجات و رهایی برای ایشان نیست)».

برخی مترجمان ترجمه های دیگری آورده اند؛ مانند پاینده که «گویی [یهودان] انتظار دارند که خدا در سایبان های ابر با فرشتگان بیایدشان و کار یکسره شود» برگردان کرده است؛ همچنین رهنما آورده است: «مگر غیر از این انتظار دارند که خدا و فرشتگان در سایه هایی از ابر [سپید] به سویشان آیند و کار به پایان آید». حلبی، فارسی و فولادوند هم مشابه آن آورده اند؛ همچنین خرمشاهی «گویی» جز این انتظار ندارند که خدا و فرشتگان در سایبان های ابر به دید آنان بیایند، و کار انجام یابد» برگردان کرده است؛ نیز ایشان آیات ۱۵۸/ انعام و ۳۳/ نحل را که شباهت بسیاری با این آیه دارد، «[اینان] انتظاری ندارند جز اینکه فرشتگان به سویشان بیایند یا پروردگارت بیاید، یا بعضی از آیات پروردگارت ظاهر گردد» ترجمه کرده است و «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنتَ الْأَوَّلِينَ» (فاطر: ۴۳) را این گونه برگردان نموده است: «آیا جز سنت پیشینیان را انتظار می کشند؟».

۵۲۷

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

۸. «وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا...» (اعراف: ۱۴۹) را انصاری «و چون پشیمان شدند و دیدند که به راستی گمراه شده اند گفتند: ...» برگردان کرده است و چنان که ملاحظه می شود «وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ» تعبیری کنایی در نظر گرفته شده است و به درستی «و چون پشیمان شدند» برگردان گردیده است؛ ترجمه ای که بسیاری از مترجمان دیگر هم آورده اند. اما گروهی دیگری توجه به مفهوم کنایی، ترجمه های نادرستی ارائه کرده اند؛ نظیر «و چون افکنده شد در دستهایشان»، «وقتی گوساله در دستهای آنان افتاد»، «و چون (جریان شومشان) در برابرشان آشکارا سقوط داده شد»، «و هنگامی که (ندامت گوساله پرستی) در دستشان ماند»، «و هنگامی که حقیقت به دستشان افتاد»، «و چون حقیقت به دستشان افتاد»، «و چون سقوط خود را به دست خود دیدند»، «و هنگامی که حقایق برایشان روشن شد»، «و آن گاه که [رهاورد گوساله پرستی] به دستشان افتاد»، «و هنگامی که افتاد در دست ایشان»، «و هنگامی که حقیقت به دستشان افتاد».

برخی دیگر هم اگرچه «پشیمان شدن» را آورده اند، آن را افزوده تفسیری در نظر گرفته و داخل پرانتز قرار داده اند؛ مانند قرائتی که «و چون (ارزش گوساله پرستی) در نزدشان سقوط کرد (و پشیمان شدند)» ترجمه کرده است یا رضایی که «و هنگامی که (حقیقت

به دستشان افتاد (و پشیمان شدند)» آورده است؛ همچنین سراج و رسولی که «و آن دم که افکنده شد در دست های ایشان (پشیمان شدند)» برگردان نموده اند؛ در حالی که «وَلَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ» افزوده تفسیری نیست که نیازمند پُرانتز یا قلاب باشد، بلکه تعبیری کنایی و دقیقاً به معنای «پشیمانی» است.

۹. «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (عنکبوت: ۵۸) را انصاری «کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، قطعاً آنان را از بهشت به غرفه هایی فرود آوریم که از فرودستش جویباران روان است» برگردان نموده است؛ در حالی که این ترجمه در بخش پایانی ابهام دارد و چنین القا می کند که گویا بهشت در جایی است و غرفه ها هم در جایی دیگر و خداوند گاهی برخی بهشتیان را برای اموری خاص از بهشت به غرفه هایی می برد که از فرودستش جویبارها روان است؛ برداشت و امری که نادرست است و با آیات فراوان دیگر سازگار نیست. افزون بر این، «لَنُبَوِّئَنَّهُمْ» نیز به «فرود آوریم» برگردان شده است؛ در حالی که این فعل غالباً برای چیزهایی است که از بالا به پایین می آید. البته دیگران هم چنین ترجمه هایی آورده اند و معنای مذکور هم در این فعل نهفته است؛ ولی بیشترین کاربرد این فعل در مفاهیمی همچون «جای دادن» و «منزل دادن» است و آنچه از این آیه به ذهن می رسد نیز همین معناست. شاید برگردان این آیه تحت تأثیر ترجمه دهلوی باشد که «آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند البته فرودآوریم ایشان را از بهشت به محل های بلند، می رود زیر آن جوی ها» برگردان کرده است. از ترجمه های موجود هم سه مترجم دیگر همانند انصاری برگردان کرده اند؛ نسفی «لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا: هرآینه فرود آریم شان به عرش های بهشت جاویدان» ترجمه کرده است؛ رهنما «آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، البته آنها را از بهشت در غرفه هایی درآوریم که از زیر آن نهرها جاری است» برگردان نموده است؛ همچنین قرشی بنابی که «آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند در غرفه هایی از بهشت نازلشان می کنیم که از زیر آنها نهرها روان است» ترجمه کرده است. چنانچه ملاحظه می شود این ترجمه ها غیر مستقیم همان چیزی را به ذهن منتقل می کنند که ترجمه نخست به طور روشن تری انتقال می داد. به نظر می رسد در آیه تقدیم و تأخیر رخ داده است و «غرفاً» مفعول دوم «لَنُبَوِّئَنَّهُمْ» است و در اصل باید «لَنُبَوِّئَنَّهُمْ غُرَفًا مِنَ الْجَنَّةِ» باشد. در این حالت برگردان درست، چنان که در برخی ترجمه ها آمده است: «قطعاً کسانی را که ایمان آوردند و کارهای

شایسته کردند، در غرفه‌هایی بهشتی/ غرفه‌هایی از بهشت جای می‌دهیم که از فرودستش جویباران روان است...»، می‌شود.

نکته آخر اینکه ترجمه «غُرْفاً» به «غرفه‌هایی» که در محاورات روزمره معنای خاصی دارد، چندان مناسب نیست و بهتر است همانند برخی ترجمه‌ها، «قصرهایی» یا «کاخ‌هایی» بیاید؛ همان‌طور که کوشا آورده است: «و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، حتماً آنان را در کاخ‌هایی از بهشت جای می‌دهیم که از دامن آنها جوی‌ها روان است». حتی می‌توان با اندکی عدول از لفظ به نفع معنا، تفسیری و مفهومی ترجمه نمود و «مؤمنان نیکوکار را در قصرهای باشکوه بهشتی که از زیر درختانش جویبارها روان است، جای می‌دهیم. آنها در بهشت جاودانه‌اند» آورد.

۱۰. هرچند در بررسی نمونه‌های پیشین از ترجمه استاد مسعود انصاری خوشابر نیز استفاده شد؛ در آخرین نمونه از لغزش‌های برخی مترجمان، اختصاصی به این ترجمه پرداخته می‌شود تا با تکیه بر حسن خلق جناب استاد و سعه صدر ایشان، موارد دیگری مورد بررسی قرار می‌گیرد تا اگر درست تشخیص داده شد، در چاپ‌های آتی به کار آید. جناب استاد در پایان ترجمه خود فرمودند: «بارزترین ویژگی ترجمه بنده پایبندی به نحو قرآنی و... نوع این ترجمه تطبیقی است» (انصاری، ۱۳۹۶، ص ۶۱۴). به باور نگارنده حتی اگر چنین صراحتی در بیان ایشان نبود، بررسی ترجمه جز این را نشان نمی‌داد؛ ضمن اینکه شاید از این هم فراتر رفته بتوان چنین گفت که ترجمه جناب استاد نه فقط «تطبیقی»، بلکه «به غایت تطبیقی» است؛ به گونه‌ای که در دوران معاصر نمی‌توان نظیری برای آن پیدا کرد. نکته قابل توجه دیگر این است که با وجود تلاش مترجم در ارائه ترجمه‌ای کاملاً تطبیقی، در مواردی به اجبار پاره‌ای آیات را مفهومی ترجمه کرده است و میزان ترجمه‌های مفهومی به اندازه‌ای است که نمی‌توان آنها را از موارد استثنایی برشمرد،^۱ بلکه برعکس وجود این میزان ترجمه‌های مفهومی، به طور ضمنی می‌فهماند ترجمه تطبیقی تمامی آیات - آن‌گونه که

۱. برای نمونه «لَا تَكُونُوا مِنَ الْفَاسِقِينَ» (مائده: ۶۶) کاملاً مفهومی و «از برکت‌های آسمانی و زمینی [خداوند] بهره‌مند می‌شدند» ترجمه شده است. از این نمونه‌ها که در موارد متعددی در ترجمه جناب استاد مشاهده می‌شود، نشان می‌دهد این میزان عدول از برگردان تطبیقی و پذیرش عملی ترجمه مفهومی مجوز آن است که در دیگر موارد هم می‌توان این‌گونه برگردان کرد و اصرار بیش از حد برخی مترجمان در ارائه ترجمه‌هایی کاملاً تطبیقی با واقعیت سازگاری ندارد.

برخی مترجمان در پی انجام آن هستند. امکان پذیر نیست و اگرچه می توان بخش هایی از قرآن را به گونه ای تطبیقی برگردان کرد که به رسایی، شیوایی و مفهوم سازی ترجمه آسیب نرساند، به یقین همه قرآن را نمی توان تطبیقی ترجمه کرد که به زیبایی و شیوایی ترجمه آسیب نرسد. بی توجهی به ترجمه مفهومی و اصرار زیاد بر روش تطبیقی که نتیجه طبیعی آن وابستگی شدید لفظی است، موجب می شود ترجمه از زیبایی و شیوایی دور شود و در رسایی و مفهوم سازی با مشکل مواجه گردد. برخی نمونه های این بحث عبارت اند از:

الف) «وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ» (نساء: ۱۰۱) «و چون در زمین سفر کنید» ترجمه شده است^۱ و «إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ» (مائده: ۱۰۶) به «اگر در حال سفر در زمین باشید» برگردان شده است؛ در حالی که «ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ» یک ترکیب است و مراد از آن به سفر رفتن است نه اینکه تک تک الفاظ آیه مراد باشد. اگر مترجم بی توجه به این نکته به ترجمه بپردازد، باید پاسخ دهد اگر فردی «در حال سفر در زمین» نبود و مثلاً در هوا یا فضا یا سوار بر کشتی در دریا «در حال سفر بود» یا حتی مانند برخی مشاغل در زیرزمین و در معادن یا در دل دریا و درون زیر دریایی ها به کار مشغول بود، چنانچه ملوانان و خدمه کشتی های بزرگ باری و نفتکش های غول پیکر و ناوهای جنگی مجبورند ماه ها سوار بر کشتی در دریاها و اقیانوس ها در حال سفر باشند، تکلیف چیست و وصیت آنان بر اساس آیه ۱۰۶ «مائده» چه می شود؟ مگر «ضربتُم» به معنای «سفر» است که «فی الارض» جداگانه و «در زمین» ترجمه شود؟ همین ایراد در برگردان «إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ» (آل عمران: ۱۵۴) نیز وجود دارد که «چون در زمین سفر کنند [و بمیرند]» ترجمه شده است. اگر در دریا و در فضا جان سپردند، آن گونه که در جنگ ها و نبردهای امروزی ممکن است رخ دهد، تکلیف چیست؟^۲

۵۳۰

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

۱. به نظر می رسد استاد انصاری در این برگردان تحت تأثیر ترجمه دهلوی باشد که به شدت خود را بدان علاقه مند و وابسته می داند. دهلوی چنین ترجمه کرده است: «و چون سفر کنید در زمین».
۲. آیه مذکور درباره جنگ و نبرد است. ضمناً «إذا ضربتم فی الارض» در دو آیه فوق غیر از «إذا ضربتم فی سبیل الله» در سوره نساء (۹۴) است که به درستی «چون در راه خدا سفر کنید» ترجمه شده است. سفر در این آیه جنبه معنوی دارد و مقدس بودن آن به این دلیل است که در مسیر شرک و کفر نباشد و تنها برای رضای خدا باشد. اما در آیات مذکور صرف سفر مدنظر است که مرز نمی شناسد؛ در زمین باشد یا در هوا، در دریا باشد یا در زیر دریا. «و آخرون یضربون فی الارض» (مزمّل: ۲۰) هم «و دیگری که در زمین سفر می کنند» ترجمه شده است.

در برگردان ۱۰۱/ نساء نیز چنین تفاوت آشکاری محسوس است و مترجمان را می توان در این زمینه به دو دسته تقسیم کرد؛ گروهی مانند الهی قمشه ای، مکارم، گرمارودی، ملکی، کاویانپور، صفوی، ارفع، صاحبی، بهرامپور، حداد عادل و ترجمه مرکز فرهنگ و معارف قرآن، به درستی «سفر» و «مسافرت» آورده اند و «هنگامی که سفر می کنید/ می روید/ کردید» و مشابه آن برگردان کرده اند.^۱ اما جمعی دیگر مانند انصاریان، مجتبی، رضایی، مشکینی، یزدی، ابراهیمی، فولادوند، فارسی، فیض الاسلام، اشرفی و قرائتی همانند انصاری «در زمین در حال سفر بودید» برگردان نموده اند؛ در حالی که بسیاری از مترجمان همین دسته در برگردان آیه ۱۰۶/ مائده برخلاف نظر خود در آیه ۱۰۱/ نساء عمل کرده اند و همانند دسته اول «اگر در مسافرت بودید» یا «اگر به سفر رفتید» آورده اند. ولی دیگران نظیر فیض الاسلام، رضایی، سراج، شعرانی، رواقی و یاسری، همچنین ترجمه های برگرفته از تفسیر طبری، نسفی، صفی، آسان و حجة التفاسیر «اگر شما در زمین مسافرت کردید» یا مشابه آن آورده اند.

ب) «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» (اعراف: ۱۷۲). این آیه را این گونه ترجمه کرده اند: «آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: چرا [هستی]. گواهی دادیم. که [مبادا] روز قیامت بگویند، ما از این [حقیقت] بی خبر بودیم». ^۲ این آیه از موارد روشنی است که اگر افزوده تفسیری درون قلاب حذف شود، ترجمه کاملاً برخلاف معنای اصلی آیه خواهد شد. آیه می خواهد بفرماید: «مبادا در قیامت چنین و چنان بگویند»؛ در حالی که آوردن قلاب، ترجمه را به گونه ای درآورده است که اگر «مبادا» حذف شود، «روز قیامت بگویند، ما از این بی خبر بودیم» باقی می ماند که نادرست است. این شیوه سخن گفتن، یک سبک ویژه بیانی است که همانند ده ها مورد دیگر «مبادا» را در دل خود دارد و نباید آن را افزوده تفسیری در نظر گرفت و درون قلاب قرار داد؛ درست مانند اینکه مترجمی بخواهد «را» که نشانه مفعول بی واسطه است را داخل قلاب قرار دهد. آنچه اشاره شد به آیه مذکور منحصر نمی شود و در موارد دیگری هم رخ داده است؛ مانند آیه ۱۵۶/ انعام که «[تا مبادا] آنکه بگویند» ترجمه شده است و در آیات ۱۵۷/ انعام و ۱۷۲/ اعراف هم این گونه برگردان شده است: «یا [مبادا] بگویند». جالب آنکه در آیه ۱۹/ مائده به درستی «تا نگویند»، یعنی «مبادا که بگویند» برگردان شده است. افزون بر این در آیه «قَالَ يُنوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ

۱. حتی در ترجمه تحت اللفظی معنی هم «و هرگاه سفر کنید» آمده است.

۲. شکل نگارشی و ویرایشی تمام ترجمه ها دقیقاً به همان صورتی است که در ترجمه جناب استاد آمد.

إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (هود: ۴۶) این گونه ترجمه شده است: «گفت: ای نوح، او از خاندانت نیست، به راستی او [مرتکب] کار ناشایست است، پس چیزی را از من نخواه که به آن علم نداری من به تو پند می دهم که [مبادا] از نادانان باشی». در حالی که «فَمَا ءَامَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ» (یونس: ۸۳) به «پس [آنان] به موسی ایمان نیاوردند مگر گروهی از قومش [آن هم] با ترس از فرعون و سرانشان که مبادا آنان را به بلا افکند» آمده است. افزون بر دوگانگی محسوس ترجمه های مذکور، نیازمندی ترجمه جناب استاد به بازنگری، از این منظر هم دارای اهمیت است که تقریباً تمامی مترجمانی که در برگردان این آیه «مبادا» آورده اند، به درستی آن را بدون پرائتز و قلاب ذکر کرده اند.

ج) «قَالُوا إِنْ يَشْرِقْ فَقَدْ سَرِقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يَوْسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا» (یوسف: ۷۷) به این ترتیب ترجمه شده است: «گفتند: اگر [او] دزدی کرده باشد [بعید نیست] برادری [هم] داشت که پیش از این دزدی کرد. پس یوسف آن [سخن] را در دل خویش نهان داشت و آن را برایشان آشکار نکرد، [در دل خویش] گفت: شما بدمنصب ترید». اینکه یوسف در دل خویش می گوید «شما بدمنصب ترید»، اعتراف ضمنی به دزد بودن او و تأیید همان حرفی است که برادرانش گفتند که اگر بنیامین دزدی کرد، خیلی دور از انتظار نیست؛ زیرا برادری به نام یوسف داشت که او هم دزد بود. در این صورت آیا غیر از اعتراف به این مطلب است که (نعوذ بالله) حرف شما درست است و من هم دزدی کردم و بدسابقه ام؛ ولی سابقه شما از من بدتر است؟! متأسفانه در این برگردان، مترجم تنها نیست و برخی دیگر نیز گرفتار چنین لغزشی شده اند.^۱ بنابراین بهتر

۵۳۲

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

۱. این آیه در ترجمه دکتر یثربی چنین برگردان شده است: «برادران گفتند: اگر او دزدی کرده، برادری هم داشت که پیش از این دزدی کرده بود. یوسف این راز را در دل نهفت و چیزی به آنان نگفت جز اینکه: شما جایگاه بدتری دارید». برگردان «انتم شرّ مکاناً» به «شما جایگاه بدتری دارید»، مفهوم نادرستی را در ذهن خواننده ایجاد می کند. صفت های تفضیلی همیشه دو طرف دارند؛ وقتی گفته می شود محمد داناتر از علی است، یعنی علی هم داناست، ولی محمد از او داناتر است. اینجا هم وقتی از قول یوسف گفته می شود «شما جایگاه بدتری دارید»، تأیید ضمنی سخن برادران در دزد بودن یوسف است؛ با این تفاوت که یوسف معتقد است جایگاه برادرانش بدتر از جایگاه اوست؛ در حالی که آیه هرگز چنین چیزی را نمی گوید، بلکه مراد آیه این است: «شما بدترین جایگاه را دارید و خدا هم بهتر می داند که چه می گوئید»؛ پس صلاحیت ندارید درباره دیگران اظهار نظر کنید و به آنان تهمت دزدی بزنید.

است «شما بدترین مردمان هستید»، «شما در منزلت بدترین مردمان هستید» و مشابه آن ترجمه شود.

(د) «وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا» (حجر: ۱۴-۱۵) این گونه برگردان شده است: «و اگر دری از آسمان بر آنان می گشودیم که همواره از آن بالا می رفتند قطعاً گویند: جز این نیست که چشم بندی شده ایم». چنان که مشاهده می شود ناسازگاری زمان فعل شرط با جواب آن در عبارت «بر آنان می گشودیم... قطعاً گویند» به خوبی مشهود است که نه از نظر دستوری درست است، نه در عرف عموم به کار می رود و نه با شیوه همیشگی مترجم در برگردان این قبیل فعل های شرط تناسب دارد. مترجمان در برگردان این آیه دو دسته شده اند؛ بیش از نیمی از آنان فعل شرط و جواب شرط را به صورت آینده برگردان کرده اند و «دری از آسمان بر آنان بگشاییم... گویند» و مانند آن آورده اند. دسته دوم از جمله جناب انصاری «می گشودیم... گویند» آورده است. در اینکه کدام یک از دو وجه یاد شده درست است یا ترجیح دارد، در جای دیگری باید بررسی شود. اما آنچه نباید فراموش کرد این است که هریک از دو تفسیر فوق پذیرفته شود، فعل شرط و جواب شرط از نظر زمانی باید همخوان باشند؛ چنانچه ایشان «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ» (اعراف: ۹۶) را «و اگر اهل [آن] شهرها ایمان می آوردند و پروا می داشتند، قطعاً از آسمان و زمین [در] برکت هایی را بر آنان می گشودیم» ترجمه کرده است.

(ه) «وَلَا تَحْزُنْ فِي صَیْفِي» (هود: ۷۸) «و در [بارۀ] مهمانانم مرا رسوا نکنید» ترجمه شده است که به نظر نمی رسد معنای روشنی به خواننده منتقل کند. این آیه که در داستان لوط آمده، از زبان آن حضرت در خطاب به قومش است که از آنان می خواهد با درخواست نادرست شان، وی را در مقابل میهمانانش بی آبرو نسازند. چنانچه برخی مترجمان به درستی «در برابر مهمانانم آبروی مرا نریزد» و «مرا در مقابل مهمانانم خوار و کوچک نسازد» برگردان کرده اند. اینکه «فی» به «در» معنا شود و «بارۀ» افزوده تفسیری به حساب آید و «در [بارۀ]...» ترجمه گردد - امری که در صدها آیه دیگر هم انجام گرفته است - نه تنها هیچ توجیه زبانی و قرآنی ندارد، بلکه در موارد متعددی به درستی چنین نشده است. افزون بر این، حروف اضافه ده ها مرتبه در قرآن به معانی هم به کار رفته اند، در اینجا نیز می توان برای «فی» معنای «در برابر» ارائه کرد تا ترجمه مفهوم تر باشد؛

چنانچه «من الله» در چند آیه قبل در آیه ۶۳/هود به جای «از خدا» که غالباً می‌آمد، «در برابر [کیفر] خدا» ترجمه شده است و از این نمونه‌ها بسیار است و بارها در همه ترجمه‌ها به کار برده‌اند.

و «يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ» (هود: ۹۸) این گونه ترجمه شده است: «برای قومش در روز قیامت پیشوا می‌شود، آنگاه [خداوند] آنان را به آتش در خواهد آورد». دو نکته در این برگردان نیازمند تأمل است؛ نخست اینکه «پیشوا می‌شود» از نظر کلامی چندان مناسب نیست؛ زیرا فرعون در قیامت از خود اختیاری ندارد که بخواهد پیشوا شود. آنچه از مضمون این آیه و آیات مشابه دیگر به دست می‌آید این است که وی در قیامت پیشاپیش قومش حرکت می‌کند و در پیشگاه عدل الهی حاضر می‌شود. شاید بر همین مبنا بسیاری از مترجمان معادل‌هایی نظیر «پیشاپیش قومش می‌رود/ می‌آید/ حرکت می‌کند» و مانند آن آورده‌اند تا شبهه اختیاری بودن پیشوایی وی پیش نیاید. نکته دیگری که مترجم در این باره تنهاست و شاید بر مبنای یک فهم و برداشت و بر اساس تفسیری خاص باشد و مترجمان دیگر این گونه برگردان نکرده‌اند، اینکه فاعل «آوردیم» را خداوند در نظر گرفت و داخل قلاب ذکر کرد؛ در حالی که آنچه از سیاق آیه به ذهن می‌رسد و برخی تفاسیر هم بر آن صحه می‌گذارند (المیزان، ج ۱۰، ص ۳۸۱؛ التحریر و التنویر، ج ۱۱، ص ۳۲۴) این است که فاعل «آوردیم» فرعون است و چنانچه در آیه ۴۱/قصص فرمود: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» در اینجا نیز چنین است و ترجمه درست «پیشاپیش قومش حرکت می‌کند و آنها را وارد آتش می‌سازد» است.

نتیجه

برگردان قرآن با دشواری های فراوانی همراه است و مترجم قرآن نمی‌تواند بدون آگاهی از این دشواری ها و تلاش در راستای برطرف کردن آن، به ترجمه اقدام کند. هرگونه بی‌توجهی به مشکلات ترجمه یا کم‌اهمیت دیدن آن، موجب پدید آمدن لغزش های متعددی می‌شود که راه یافتن آن در حریم قرآن روا نیست. چند نمونه از لغزش های مورد نظر نگارنده در طی این مقاله و مقاله نخست بیان گردید تا اگر درست تشخیص داده شد، مورد توجه قرار گیرد و در صورتی که نادرست بود، با تذکر و یادآوری دیگران برطرف شود و مترجمان آینده با دقتی بیشتر و شناختی عمیق تر به برگردان قرآن اقدام کنند.

۵۳۴

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳